

کانکس‌های نجات، خانه بخت آنهاست

زوج‌هایی که تعطیلات نوروز را در جاده‌ها و پایگاه‌های امداد سپری می‌کنند

زوج کرد



عکس‌ها: گروه زندگی

عروسی در پایگاه جاده‌ای

حمیرا ابراهیمی و همسرش جبار هدایتی که از ۱۱ سال قبل به عنوان عضو جوانان داوطلب جمعیت هلال احمر شهرستان دیواندره در این مرکز فعالیت دارند بهار زندگی مشترکشان را همزمان با آغاز بهار ۹۵ و براساس یک برنامه از پیش تعیین شده آغاز کردند.

ایستگاه نخست پیوند این زوج امدادگر دیواندره‌ای فروردین ۹۵ بود و نخستین عکس‌شان را در مقابل پایگاه‌های امدادی نوروزی و هنگام نشان دادن امضای طومار فراخوان «نه؛ به تصادفات جاده‌ای» در آلبوم از دواج‌شان به ثبت رساندند. حمیرا ابراهیمی در این خصوص گفت: از آنجا که من و همسرم سال‌ها قبل براساس علاقه‌مان امداد رسانی داوطلبانه به هموطنان را انتخاب کرده بودیم، دوست داشتیم زندگی مشترکمان را هم با ادای احترام به جمعیتی که در آن به علاقه‌مندی‌هایمان پاسخ داده شده بود آغاز کنیم، به همین دلیل از قبل هماهنگی‌های لازم را با مسئولان جمعیت هلال احمر شهرستان انجام دادیم و قبل از تاریخ شدن هواور سیدن میهمانان به تالار عروسی، خود را به پایگاه جاده‌ای نوروزی رساندیم و نخستین عکس آلبوم عروسی من و همسرم در لباس عروس و داماد در همان ایستگاهی گرفته شد که از قبل برنامه‌اش را چیده بودیم. «برای خاصی در پایان بایبان این موضوع که خوشبختانه از همان لحظه تاکنون به امضای مان پای طومار فراخوان «نه؛ به تصادفات جاده‌ای» پایبند هستیم و نه تنها خودمان در جاده‌ها نکات ایمنی و سرعت مطمئنه را رعایت می‌کنیم بلکه اطرافیان و دوستانمان را هم به این مهم تشویق می‌کنیم، افزود: معتقدم بواسطه سلامتی و توانی که خداوند به من و همسرم هدیه کرده است نسبت به دیگر انسان‌ها مسئول و مدیونیم. به همین خاطر تا زمانی که این هدایا ما را پس گرفته نشود، با فعالیت در مرکز هلال احمر این دین را ادا خواهیم کرد.

زوج خوزستانی



مأموریت در نوروز

شروع زندگی مشترک، گام نهادن در مسیر تازه‌ای را می‌ماند که خاطره‌اش تا ابد در ذهن باقی می‌ماند. حالا هر چه این پیوند متفاوت تر باشد، طبعاً خاطره‌ای هم که بر جای می‌گذارد، خاص تر و ماندگارتر است. علی و زهره از جمله کسانی هستند که برای آغاز زندگی مشترک شروعی متفاوت را انتخاب کردند. آنها که سال‌ها قبل در کنار تخصص مرتبط با تحصیل‌شان، در اوج جوانی، خدمت داوطلبانه را برگزیده‌اند، تیر ماه امسال پیوند هلال احمری‌شان را جشن گرفتند. این دوازده‌ساله جمعیت هلال احمر شهرستان دزفول را عامل اصلی آشنایی خود می‌دانند، در مراسم عقد خود به جای پوشیدن کت و شلوار و لباس سفید عروس، لباس امدادگر به تن کردند. آنها برای تکمیل انتخاب‌های متفاوت، قرار است مراسم عروسی‌شان را نیز در نوروز ۱۳۹۶ برگزار کنند، در حالی که به رسم هر سال در پایگاه‌های جاده‌ای و امداد و نجات نوروزی حضور خواهند داشت. علی بقایی، ترم آخر کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی و دارنده بالاترین درجه هلال احمر، در مورد شروع متفاوت زندگی مشترک‌شان گفت: از سال ۱۳۸۲ به دنبال علاقه‌ای که به جمعیت هلال احمر داشتم، فعالیت‌هایم را در شهرستان دزفول آغاز کردم و پس از گذراندن دوره‌های تخصصی، علاوه بر اینکه در حال حاضر دانشجوی ترم آخر رشته حقوق عمومی هستم و در همین زمینه فعالیت می‌کنم، موفق به کسب درجه «ایثار» (بالاترین درجه جمعیت هلال احمر) شدم.

زهره نعمیانی همسر علی بقایی که حسابداری خوانده و علاوه بر اشتغال در یک شرکت خصوصی، از ۵ سال قبل به صورت داوطلبانه در جمعیت هلال احمر شهرستان دزفول مشغول به فعالیت است، گفت: جمعیت هلال احمر دلیل آشنایی من و علی بود، به همین خاطر و به پاس این اتفاق خوب تصمیم گرفتیم جشن عقدمان را با جمعیت هلال احمر شهرستان دزفول تقسیم کنیم و با پوشیدن لباس امداد و نجات، قدر دان حوزه‌ای باشیم که باعث شد من و همسرم با هم آشنا شویم و زندگی مشترکمان را آغاز کنیم. همچنین قرار است عروسی‌مان را در نوروز ۹۶ برگزار کنیم که به طور قطع این مراسم با فعالیت‌های امدادی ما در ارتباطی تنگاتنگ خواهد بود. زیرا همسرم طبق روال سال‌های قبل، لحظه تحویل سال و همچنین سرتاسر تعطیلات نوروز ۹۶ را در پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای سپری خواهد کرد و من هم اگر درگیر جزئیات مراسم نباشم با او همراه خواهم شد.

اونه تنها از این بابت ناراحت نیست بلکه انتظار نوروز را می‌کشد تا به باری مسافران بپردازد. می‌گوید: شاید من و علی نتوانیم از لحاظ مادی به هموطنان مان کمک کنیم، اما از روز نخست آشنایی با هم عهد بسته‌ایم راهی را که آغاز کرده‌ایم تا آنها و در کنار هم ادامه بدهیم و از این فرصت معنوی که خداوند در اختیارمان قرار داده، استقبال می‌کنیم.

زوج آذری



از هم دوریم، اما...

حبیب حسین قللی زاده و سارا قوچخانی از زوج‌های جوان این سرزمین هستند که سال‌هاست بواسطه شغل‌شان، مناسبت‌ها و تعطیلات بسیاری را از حضور در جمع صمیمی خانواده‌هایشان محروم هستند. این زوج خلأهایی از این دست را تنها بواسطه لبخندی که بر لبان هموطنان‌شان می‌نشانند، پرمی‌کنند.

این زوج آذری زبان که از حدود ۱۱ سال قبل در مرکز فوریت‌های پزشکی شهر تبریز مشغول به فعالیت هستند، در تمام سال‌های زندگی مشترک خود تنها یک مرتبه لحظه تحویل سال را در کنار یکدیگر و پای سفره هفت‌سین تجربه کرده‌اند. نوروز امسال هم با وجود اینکه دختر ۳ ماهه‌شان دینا تازه به جمع خانواده اضافه شده است، باز لحظه تحویل سال را دور از هم و در محل‌های مأموریت‌شان تجربه می‌کنند.

حسین قللی زاده که به شغلش عشق می‌ورزد، با وجود اینکه تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی ارشد و در رشته مدیریت به پایان رسانده و می‌تواند در بخش‌های دیگر درمان با آسودگی خاطر بیشتری فعالیت کند، گشودن گره از مشکلات همشهری‌ها و هم‌نوعانش را که در مواقع حساس و روزهای تعطیل به حضورش نیاز پیدا می‌کنند، به حضور در فضای کاری عاری از تنش ترجیح می‌دهد. او از زمانی که از دواج کرده و نقش همسر و این اواخر پدر را عهده‌دار شده است، چنان که خود می‌گوید، میان علاقه و وجدانش در جدال است: در طول این ۱۱ سال تنها ۳ مرتبه لحظه تحویل سال را در کنار اعضای خانواده‌ام گذرانده‌ام، حتی این اواخر من و همسرم که او هم در واحد فوریت‌های پزشکی مشغول به کار بود، لحظه تحویل سال را در محل کار گذرانیدیم. از سوی دیگر نزدیک به یک سال است که او وارد فضای بیمارستان شده و شباهت‌های شغلی‌مان کمتر شده ضمن اینکه بتازگی حس زیبای مادر شدن را تجربه کرده، اما متأسفانه در این مدت هم بواسطه شغل پر استرس و حساسی که دارم نتوانسته‌ام مدت زمان زیادی را در کنارش بمانم، علاوه بر این گریزی از استرس‌های شغلی‌ام نیست و همه این مسائل باعث شده تا این سال‌های اخیر را در برزخ علاقه و عذاب وجدان سپری کنم. با وجود این شرایط خود را نسبت به سایر همکارانم که با همسرشان همکاری نیستند بهتری می‌دانم زیرا با همه این کوتاهی‌ها، همسرم سارا از تنهایی‌هایی که در این مدت و در طول مرخصی‌هایم زایل‌مانش متحمل شده نزد من گلابه‌چندانی نگذرد است. سارا که فارغ‌التحصیل رشته مامایی است با وجود اینکه به قول خودش از دوران نامزدی و پس از ازدواجش با حبیب حسین قللی زاده خاطرات مشترک زیادی ندارد، راز دل فاش می‌کند: تنها و تنها به دلیل علاقه‌ای که به همسرم دارم این شرایط را تاب می‌آورم؛ چرا که احساس او را نسبت به شغلش کاملاً درک می‌کنم و می‌دانم که قلب او نیز مانند قلب خودم برای کمک به هم‌نوعان مان می‌تپد.

زندگی

www.iran-news.com